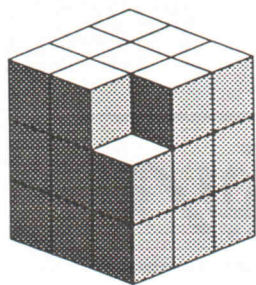


ارتباط اصولی بین دانشگاه، دولت و صنعت

زیرساختی اساسی برای شتاب بخشیدن به حرکت توسعه



مطالعه و بررسی و ایجاد زیرساختهای لازم با کمک و همفکری دانشگاهها، میسر و ممکن خواهد شد. برای نمونه، ایجاد و فعال سازی مراکز تحقیقاتی مشترک (دانشگاه و صنعت) که در آنها امکانات مالی صنعت و علم و تخصص دانشگاهها و متخصصان تلفیق یابد، نهادی مناسب و مطلوب برای فعالیتهای پژوهشی مورد نیاز واحدهای صنعتی خواهد بود. چنین روندی در کشورهای پیشرفته صنعتی-مثل ژاپن و آلمان- نتایج، آشکار و مثبتی به همراه داشته است.

در این میان اما، نقش دولت به عنوان حلقه واسط ارتباط دانشگاه و صنعت، مهم و تعیین کننده است. دولت در واقع، تسهیل کننده ارتباط اصولی و مستمر بین دانشگاه و صنعت است. دولت می تواند با ارج گذاری فعالیتهای علمی و پژوهشی دانشگاهها و وضع قوانین و مقررات لازم، بسترهای مناسب برای ارتباط بین دانشگاه و صنعت را فراهم آورده از این طریق، کمک قابل توجهی در جهت پی ریزی بنیاد این ارتباط، به عمل آورد. چنین اقدامی از سوی دولت، جدای از منافع کلی آن برای جامعه، برای رفع مشکلات خود دولت نیز راهگشا است. از این جهت که به کارگیری علم و تخصص دانشگاهها برای رفع معضلات صنعتی، در نهایت تولید محصولات و خدمات با کیفیت بهتر و کمیت بالاتر را به دنبال خواهد آورد که این نیز خود، واردات کمتر و صادرات افزون تر را موجب خواهد شد و در تجزیه و تحلیل نهایی، شکوفایی اقتصادی را در پی خواهد آورد.

نهایت اینکه، نتایج و منافع ارزنده حاصل از همکاریهای سه جانبه دانشگاه، دولت و صنعت در رفع مسائل صنعتی و اقتصادی، فراتر و ارزشمندتر از کمکهای مالی خواهد بود که دولت به مراکز تحقیقاتی می کند. بنابراین، ضروری است که حرکت آغاز شده همکاری دانشگاه و صنعت با اهتمام و شدت بیشتر پیگیری و تداوم یابد و دانشگاه و صنعت به مانند دو بال توسعه، همکاریهای همه جانبه خود را شدت بخشند و در این میان دولت نیز پشتوانه لازم را برای استمرار این ارتباط به عمل آورد. باشد که در راستای این چنین همکاری اصولی و متکی بر تفکر توسعه همه جانبه جامعه، شاهد شکوفایی صنعتی، اقتصادی کشور باشیم.

تأثیر غیر قابل انکار توسعه صنعتی بر روند کلی توسعه یک جامعه، ضرورت «پی افکنی» ساختار فرهنگ صنعتی را بیش از پیش نمایان تر ساخته است.

دانشگاه، دولت و صنعت حلقه های اساسی و به هم پیوسته حرکت در مسیر توسعه و تعالی فرهنگ پیشرفت علمی-صنعتی به شمار می آیند. بدون شک ایجاد و برقراری ارتباط اصولی دانشگاه به عنوان نهاد متشکل از اندیشه های علمی و راهبردی حل مسائل و معضلات، دولت به عنوان حلقه واسط ارتباط دانشگاه و صنعت و صنعت به عنوان مرکز ثقل جریان رو به رشد جامعه، بنیانهای بسیار مستحکمی از توسعه را می تواند پی ریزی و هدایت کرده و به جلو براند. این همه، نقش مهم برقراری ارتباط متقابل دانشگاه و صنعت را به صورت همه جانبه، مستحکم و مستمر، نشان می دهد.

شاید بتوان گفت برقراری ارتباط اصولی و مستمر بین دانشگاه و صنعت - در شرایط فعلی داخلی و جهانی - نیازی به تغییر اساسی در ساختارهای فعلی دانشگاه و صنعت نداشته و بلکه، برقراری این ارتباط و پویایی آن، مبتنی بر تغییر نگرشهای موجود و باور بر این ارتباط و اهتمام ورزیدن به هموار سازی مسیرها و شیوه های دستیابی به آن است.

آنجا که چنین ارتباطی به دانشگاه مربوط می شود، دانشگاهها به طور کلی و دانشگاههای فنی-مهندسی به ویژه، نقش اساسی و تعیین کننده در توسعه همه جانبه و موزون جامعه برعهده دارند. چه دانشگاه بستر دانش و بسط و عمومیت آن و نیز بستر تربیت نیروی انسانی عهده دار رسالت توسعه است. شکی نیست که با ارج گذاری و اهتمام بیشتر به علم و پژوهش و به کارگیری نیروهای بالقوه موجود در دانشگاهها (استاد و دانشجو) برای حل مسائل واحدهای صنعتی، شاهد تحولات چشمگیری در اقتصاد کشور خواهیم بود. به این ترتیب، با پیشرفت تکنولوژی و اولویت بندی ارجحیت ها در رفع نیازهای جامعه، دانشگاهها در جهت دادن به دوره های آموزشی و فعالیتهای پژوهشی، رسالت مهمی را عهده دار هستند.

در ارتباط با صنعت، با توجه به ساختار گذشته (اتکای صرف به واردات و مونتاژکاری) ضروری است با به کارگیری امکانات موجود و همکاری دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی، تلاش لازم در جهت تغییر روند فعلی صورت گیرد. بدیهی است که تغییر چنین روندی، از طریق